یادداشت روز

مدعیان تقلب یا متقلبان مدعی؟

۱۹ فروردین ۱۳۶۷ انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در حالی برگزار شد که در ماه‌های منتهی به انتخابات، حملات رژیم بعث صدام به ایران شدت گرفته و فقط به شهر تهران بیش از ۱۴۰ بمب اصابت کرده بود. طبق آمارهای اعلام شده توسط سخنگوی وقت ارتش بعث، در این مدت ۷۳۱ تُن بمب و ۳۰۰ تُن مواد منفجره بر سر مردم در شهرها و روستاهای ایران ریخته شده بود. زمزمه‌هایی برای به تعویق انداختن انتخابات از ترس عدم شرکت مردم زیر بمباران شدید دشمن به گوش می‌رسید.

با این حال امام(ره) طی پیامی در ۱۱ فروردین ۱۳۶۷ مردم را به حضور در انتخابات تشویق کرد: «[ملت ایران] مطمئناً در زیر موشک و بمب هم اگر قرار بگیرند، به پای صندوق‌ها می‌روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود.» همین اتفاق هم رخ داد. انتخابات در موعد مقرر برگزار شد و علی‌رغم شرایط جنگی آن روزها با حضور حدود ۱۷ میلیونی مردم پای صندوق‌های رأی، مشارکت ۵۹,۷ درصدی در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی به ثبت رسید. این اتفاق بزرگ اما با بدخُلقی‌های انتخاباتی یک طیف سیاسی، اندکی به کام مردم و دست‌اندرکاران انتخاباتی وقت، تلخ شد. طیفی که آن روزها به «جریان چپ» معروف شده بود و معمولا رقبای سیاسی خود را با برچسب «آمریکایی» کنار می‌زد، سال‌ها بعد در منتهی‌الیه راست ایستادند و از سردمداران «برقراری رابطه با آمریکا» شدند!

جریان موسوم به چپ با توجه به تمایلات نخست‌وزیر وقت، نفوذ و قدرت قابل توجهی در دولت داشت. از همین رو وزارت کشور وقت، به عنوان مجری انتخابات چندان بیطرفانه عمل نمی‌کرد. فرماندار وقت تهران در حدود ۳۰ شعبه از شعب اخذ رأی، ناظرین شورای نگهبان را دستگیر و زندانی کرد. ناظرین حدود ۶۰۰ صندوق نیز در گزارش‌های خود از وقوع تخلفاتی در جریان برگزاری انتخابات خبر داده بودند. آیت‌الله مؤمن که آن زمان عضو هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات بود، می‌گفت: «آقای باهنر دوهزار و خرده‌ای رأی داشته است؛ ولی تنها دو رأی برای ایشان منظور شده است.» اتفاق مشابهی برای حبیب‌الله عسگراولادی و اسدالله بادامچیان نیز افتاده بود. آقای بادامچیان می‌گوید: «اشکالات تا حدی بود که با بازشماری بیست-سی تا از صندوق‌ها، نتیجه تغییر کرد. بنده و آقای عسگراولادی که جزو ۳۰ نفر [منتخب تهران] نبودیم به [رتبه] ۱۷ و ۱۸ رسیدیم.»

شورای نگهبان اگرچه از همان ابتدا میزان تخلفات را در حد ایجاد تغییرات جدی میان منتخبان نمی‌دانست، اما اصرار به رفع شبهات داشت. امام(ره) نیز خواسته به حق شورای نگهبان را اجابت کرد و هیئتی برای بررسی شکایات انتخاباتی تشکیل شد و در نهایت پس از رسیدگی به موضوع و گزارش این هیئت، امام(ره) انتخابات دوره سوم مجلس را شخصا تأیید کرد. اما فارغ از این روند، آنچه در خاطره‌ها ماندگار شد بداخلاقی و شیطنت «جریان چپ» در برگزاری انتخابات بود، تا جایی که آیت‌الله صافی گلپایگانی دبیر وقت شورای نگهبان، از این شورا استعفا داد.

۹ سال بعد، «جریان چپ» با حمایت از سید محمد خاتمی، پای به انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری گذاشت. آنها یک بار دیگر بداخلاقی‌های انتخاباتی خود را آغاز کردند، با این تفاوت که این بار پیش از برگزاری انتخابات، رقبای خود را به تلاش برای تقلب متهم کردند! آنها کوچک‌ترین شایعات درباره تقلب را برجسته می‌کردند. در یک مورد پیش از برگزاری انتخابات اعلام کردند دو صندوق پر از رأی به نفع آقای ناطق نوری (نامزد رقیب آقای خاتمی در انتخابات ۱۳۷۶) در یکی از شهرستان‌ها وجود دارد؛ ادعایی که پس از بررسی نهادهای نظارتی مشخص شد کاملا کذب است. همان زمان آقای هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت در خطبه‌های نماز جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۶ (هفته قبل از انتخابات) گفت: «مسئولان اجرائی و ناظر باید این کار را بکنند تا همان که رأی مردم است در صندوق ریخته، خوانده و اعلام شود. ممکن است کسی فکر کند که اگر تغییراتی بدهیم تا شخص مقبولی که خودمان به او ایمان داریم، به سر کار بیاید، نفعی برای جامعه است. ولی این کار ضرر بنیانی دارد... مسئولان اجرائی و ناظران واقعاً باید به‌گونه‌ای کار کنند که خیال مردم راحت باشد.»

این سخنان ظاهرا برای رفع شائبه بود اما با دامن زدن به شائبه تقلب، سبد رأی خاتمی و طیف حامی او را سنگین کرد. آقای هاشمی خودش دو روز بعد در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۶ به این نتیجه رسید: «آثاری که سخنرانی روز جمعه من در جامعه ایجاد کرده، جناح خاتمی را خوشحال و جناح ناطق را نگران کرده است.» انتخابات برخلاف شایعات «جریان چپ» و حامیانشان، بدون هیچ تقلبی برگزار شد و اتفاقا نامزد مورد حمایت آنها به صندلی ریاست جمهوری رسید. برخلاف سال ۱۳۶۷ این بار کسی مشارکت بالای ۷۹ درصدی در انتخابات را به کام مردم تلخ نکرد، اما باز هم بداخلاقی «جریان چپ» در تاریخ انتخابات‌های کشور به ثبت رسید.

دو سال بعد در زمستان ۱۳۷۸ «جریان چپ» که دیگر نام «اصلاح‌طلب» را برای خود انتخاب کرده بود و دولت را در دست داشت، مجری برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ شد. آنها خاطره تلخ انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی را زنده کردند و شورای نگهبان، ۱۱ اسفند ۱۳۷۸ ضمن تأکید بر اینکه «اکثر حوزه‌های انتخابیه مشکل چندانی ندارند» از بروز برخی تخلفات در جریان برگزاری انتخابات به ویژه در حوزه انتخابیه تهران خبر داد. با بررسی شکایات و بازشماری برخی صندوق‌ها، آرای برخی نامزدهای انتخاباتی تغییر قابل ملاحظه‌ای داشت. یکی از این افراد حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی بود که دو سال پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری‌اش، برای راهیابی به مجلس از حوزه انتخابیه تهران نامزد شده بود. محسن هاشمی، رئیس دفتر آن‌روزهای آقای هاشمی می‌گوید: «برخی از صندوق‌ها را باز کردند و هر صندوقی که باز می‌شد آرای آن مخدوش بود و باطل اعلام می‌شد. تا ۳۰ درصد بازشماری شد و حاج آقا بیستم شد... وقتی از [رتبه] ۳۰ به ۲۰ رسیدند دیدند انتخابات در تهران مخدوش است. افراطی‌های اصلاح‌طلبان و اجرائی‌های آنها تقلب کرده بودند.» همین اتفاق برای آقای غلامعلی حدادعادل نیز رخ داده بود و پس از بازشماری آراء، رتبه او در حوزه انتخابیه تهران از ۳۳ به ۲۸ رسید. دست آخر با دستور رهبر انقلاب مبنی بر تأیید نتایج انتخابات پس از ابطال صندوق‌های مخدوش، پرونده انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی بسته شد. پس از آن با پیگیری حقوقی شورای نگهبان، معاون سیاسی وقت وزارت کشور به اتهام وقوع تخلفات گسترده در انتخابات تهران مقصر شناخته شد. ششمین دوره انتخابات مجلس بیش از ۶۷ درصدی مردم را به همراه داشت و البته یک بار دیگر شیطنت یک جریان خاص را در برگزاری انتخابات به ثبت رساند.

۱۰ سال بعد، پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، باز هم این جریان مدعی اصلاحات بود که توانست مشارکت بی‌نظیر ۸۵ درصدی مردم در انتخابات را به کام ملت زهر کند. اختلاف آرای منتخب مردم با نفر بعدی که مورد حمایت اصلاح‌طلبان بود، به بیش از ۱۱ میلیون رأی می‌رسید و آنها در جلسات خصوصی از عدم امکان تقلب در انتخابات می‌گفتند، اما با این حال از هیچ تلاشی برای القای تقلب انتخاباتی در افکار عمومی فروگذار نکردند. حتی عباس آخوندی نماینده نامزد انتخاباتی‌شان ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات با رهبر انقلاب ضمن رد ادعای تقلب به صراحت گفت: «صندوق‌ها را [اگر] بیست بار هم بشمارند نتیجه آراء عوض نخواهد شد.» محمد خاتمی نیز نظر مشابهی داشت و بعدها در دیدار با فعالان رسانه‌ای گفت: اعتقاد به تقلب در انتخابات ۱۳۸۸ ندارد و البته تأکید کرد که حاضر نیست این اظهار نظر را علنی کند! با این حال آنها ۸ ماه با دروغ تقلب، کشور را به آشوب و اغتشاش کشاندند و زمینه‌ساز تحریم‌های فلج‌کننده علیه ملت ایران شدند. آنها دو سال بعد بی‌اعتنا به خساراتی که به کشور وارد کرده بودند و با زیر پا گذاشتن همه ادعاهای پوچ تقلب، در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت کردند و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ نیز در حالی که فقط ۴ سال پیش از آن، ساختار برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی را زیر سؤال برده بودند، به شوق رسیدن به صندلی قدرت، صف کشیدند!

نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، یک درس به یاد ماندنی بود. آقای حسن روحانی به عنوان نامزدی که مدعیان اصلاح‌طلبی در نهایت از او حمایت کردند تنها با ۷ دهم درصد رأی، یعنی چیزی حدود ۲۰۰ هزار رأی بیش از حد نصاب ۵۰ درصد آراء توانست به ریاست جمهوری برسد. علی‌رغم این اختلاف کم، اما این بار هیچ کس با شایعه تقلب کام مردم را در این مشارکت ۷۳ درصدی تلخ نکرد. جریان رقیب کاملا به قانون پایبند بود؛ شکست را پذیرفت، آشوب به راه نینداخت و به نامزد پیروز انتخابات تبریک گفت؛ کاری که برخی مدعیان اصلاحات در انتخابات ۱۳۸۸ نشان دادند توانایی انجام آن را ندارند. از نظر برخی مدعیان اصلاح‌طلبی، انتخابات فقط زمانی «آزاد»، «رقابتی» و «سالم» است که نامزدهای مورد حمایت آنها رأی بیاورند. تخریب انتخابات و جرزنی‌های انتخاباتی، بخشی از تاریخ زیست آنان است. آنها متقلبان پرادعایی هستند که همیشه مدعی تقلب در انتخابات بوده‌اند، حتی اگر در جمع‌های خصوصی اذعان کنند تقلب در انتخابات ایران عملا غیرممکن است.

سید محمدعماد اعرابی

دستور رئیسی به بانک مرکزی:

بانک‌هایی که اضافه برداشت دارند فوراً تعیین تکلیف شوند

رئیس‌جمهور گفت: بانک مرکزی باید نسبت به تجدیدنظر ارزیابی در اضافه برداشت‌ها نیز نظارت و دقت کافی داشته باشد که این ارزیابی‌ها مبتنی بر اطلاعات درست و واقعی باشد نه اطلاعات نادرست و موهوم.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی به منظور شرکت در شصت و سومین اجلاسیه سالانه مجمع عمومی و فوق‌العاده بانک مرکزی به برج شیشه‌ای میرداماد رفت و پس از استماع گزارش عملکرد ۸ ماهه بانک مرکزی از سوی فرزین و همچنین گزارش هیئت نظّار، به بیان نکاتی درباره ارتقای کیفی عملکرد بانک مرکزی پرداخت و دستورات مهمی نیز در این زمینه صادر کرد.

وی در این جلسه حفظ ارزش پول ملی را از جمله وظایف اصلی و محوری بانک مرکزی برشمرد و بر جهت‌دهی همه تصمیمات و اقدامات این نهاد مهم مالی و پولی برای حفظ و ارتقاء ارزش پول ملی کشور تأکید کرد.

رئیس‌جمهور در ادامه محوریت اصلی در اقتصاد مقاومتی، اشتغالزایی و رشد اقتصادی را امر مهم تولید عنوان کرد و به‌کارگیری اهرم نظام بانکی در مسیر افزایش سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید را از دیگر وظایف مهم بانک مرکزی دانست.

رئیسی با تأکید بر توجه ویژه به مهار پایدار تورم و کنترل نقدینگی به دلیل تأثیر مستقیم این دو پدیده اقتصادی در نظام بانکی و پولی کشور و همچنین عملکرد کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، مهار پایدار تورم و کنترل نقدینگی را زمینه‌ساز ثبات بخشی به بازار و پیش‌بینی‌پذیر شدن اقتصاد کشور و اطمینان‌بخشی به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران دانست که باید مورد توجه مدیران و مسئولان بانک مرکزی باشد.

وی ضمن تقدیر از اقدامات بانک مرکزی در راستای کنترل موفق رشد نقدینگی تصریح کرد: باید مهار تورم و کنترل نقدینگی نه با ایجاد رکود بلکه از طریق رشد تولید محقق شود چرا که رکود هم به میزان تورم و رشد نقدینگی برای اقتصاد کشور مضر است.

رئیس‌جمهور در ادامه نظارت جدی و حساسیت ویژه نسبت به اضافه برداشت بانک‌ها و برنامه‌ریزی برای جلوگیری از این رویه در بانک مرکزی را یادآور شد و ضمن تأکید بر ضرورت اخذ وثایق متناسب از بانک‌ها در موارد استثنا و همچنین تسریع در تعیین تکلیف چند مؤسسه مالی و بانک ناتراز باقی‌مانده افزود: بانک مرکزی همچنین باید نسبت به تجدیدنظر ارزیابی در اضافه برداشت‌ها نیز نظارت و دقت کافی داشته باشد که این ارزیابی‌ها مبتنی بر اطلاعات درست و واقعی باشد نه اطلاعات نادرست و موهوم.

رئیسی ایجاد ثبات در بازار ارز را از دیگر وظایف و مسئولیت‌های مهم بانک مرکزی برشمرد و افزود: همه تصمیمات و اقدامات در بخش نظام ارزی باید در راستای منضبط کردن بازار ارز و هدایت آن به سمت تبعیت از سیاستهای بانک مرکزی باشد که در این راستا آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی بموقع، سریع و صریح در موضوعات ارزی در عداد اقدامات بسیار خوب بانک مرکزی است که موجب اطمینان بخشی بیشتر فعالان اقتصادی خواهد شد.

وی همچنین بر ضرورت رفع تعهدات ارزی از سوی همه دستگاه‌ها و مؤسسات تأکید کرد و گفت: هر تصمیم بانک مرکزی در نظام ارزی لازم‌الاجراست و همه دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها باید در راستای تمرکز مدیریتی و ضابطه‌مندی نظام پولی و بانکی کشور خود را موظف به تبعیت از این تصمیمات بدانند.

پیش از سخنان رئیس‌جمهور فرزین رئیس کل بانک مرکزی ضمن ارائه گزارشی تفصیلی از عملکرد ۸ ماهه اخیر، به بیان برخی اقدامات انجام شده در راستای رویکرد سیاستی تثبیت اقتصادی بانک مرکزی از جمله در زمینه کنترل و مدیریت رشد نقدینگی، تنظیم‌گری و مدیریت بازار ارز، تقویت نظارت و اصلاح نظام بانکی، تقویت حکمرانی ریال، تقویت دیپلماسی ارزی و پولی، تنظیم مناسبات مالی میان بانک مرکزی و شبکه بانکی و آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی درخصوص موضوعات ارزی و بانکی پرداخت.

فرزین در ادامه با اشاره به اهمیت شبکه بانکی در نظام تامین مالی کشور گفت: حدود ۸۹,۹ درصد تامین مالی کشور بر عهده نظام بانکی است. در این بین بازار سرمایه نیز حدود ۱۰ درصد بار تامین مالی و تنها ۰,۱ درصد توسط سرمایه‌گذار خارجی تامین می‌شود که نشان از فشار سنگین بار تامین مالی کشور به شبکه بانکی دارد. بر این اساس رویکردهای کلی سیاست اعتباری بانک مرکزی نیز شامل تقویت سرمایه در گردش، تامین مالی زنجیره‌ای در راستای تامین مالی غیرتورمی، تقویت تامین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، بهبود تامین مالی خرد است به گونه‌ای که نظام اقتصادی و تولید کشور دچار وقفه نشود و همزمان برنامه‌های مهار تورم نیز به خوبی به اجرا درآید.

رئیس کل بانک مرکزی درخصوص پرداخت تسهیلات ازدواج و فرزندآوری که مورد تأکید ریاست جمهوری نیز هست گفت: در حالی‌که پرداخت ۱۱۲ همت تا تاریخ ۷ دی ماه ۱۴۰۲ تسهیلات ازدواج مصوب شده بود تا این تاریخ بیش از حدود ۱۲۹ همت تسهیلات ازدواج پرداخت شده است که حاکی از تحقق ۱۱۵ درصدی عملکرد توسط شبکه بانکی در سال ۱۴۰۲ است.

وی افزود: همچنین تا تاریخ ۷ دی ماه پرداخت ۳۸,۲ همت تسهیلات فرزندآوری مصوب شده بود و تا تاریخ اشاره شده بیش از ۳۵,۵ همت وام فرزندآوری به متقاضیان پرداخت شده است که تحقق ۹۳ درصدی تکالیف فوق را نشان می‌دهد.

گفت و شنود

ای بی‌سواد!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» نوشته است جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا راهبرد قبلی خود درباره جنگ اوکراین را تغییر داده است.

گفت: راهبرد قبلی چه بود و راهبرد کنونی چیست؟!

گفتم: رئیس جمهور آمریکا قبلاً اعلام کرده بود که از جنگ اوکراین تا پیروزی بر روسیه حمایت نظامی می‌کنیم و حالا می‌گوید؛ از اوکراین تا پیروزی در مذاکره حمایت می‌کنیم!

گفت: پس صدها میلیارد دلار اسلحه و مهمات که از آمریکا و اروپا به اوکراین سرازیر کردند برای چه بود و تکلیف صدها هزار تن از مردم اوکراین که به خاک و خون کشیده شده‌اند چه می‌شود؟!

گفتم: ای عوام! فروش تسلیحات که برای پُر کردن جیب کارخانه‌های اسلحه‌سازی بود، جان مردم هم که برای دولتمردان آمریکا و اروپا ارزشی ندارد. مگر جنایاتشان در غزه را نمی‌بینی؟!

گفت: یکی از خبرنگاران آمریکایی نوشته است، راهبرد آمریکا از ابتدا هم مشخص نبود و بعید نیست که این نامشخص بودن راهبرد، عمدی بوده باشد!

گفتم: دانش‌آموزی به معلمش گفت؛ آقا اجازه؟ من و بابام هرکاری کردیم نتونستیم جمله‌ای که توی دفتر انشایم نوشته بودید را بخونیم! معلم گفت؛ ای بی‌سواد! نوشته بودم خوش‌خط بنویس!

مقام مصری:

احتمال تبادل سفیر میان ایران و مصر در آینده نزدیک وجود دارد

عضو شورای امور خارجه مصر گفت که سطح روابط ایران و مصر نشان می‌دهد که به احتمال زیاد به زودی میان دو کشور تبادل سفیر صورت گیرد.

«رخا احمد حسن» عضو شورای امور خارجه مصر شامگاه جمعه ۸ دی ماه در گفت‌وگو با خبرگزاری اسپوتنیک روسیه از احتمال بازگشت روابط ایران و مصر به عالی‌ترین سطح خود یعنی تبادل و استقرار سفیر در تهران و قاهره خبر داد.

او با اشاره به تماس تلفنی ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران با «عبدالفتاح السیسی» و تبریک به او جهت پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر، گفت که روابط دو کشور به شکل قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است.

«رخا احمد حسن» افزود: «در جریان این تماس تلفنی، دو رئیس‌جمهور درخصوص گسترش روابط دو جانبه و مسائل منطقه‌ای از جمله موضوع غزه و دریای سرخ با یکدیگر گفت‌وگو کردند».

به گزارش فارس، او با اشاره به تلاش‌های «هیثم بن طارق» سلطان عمان، گفت که احتمال دارد تبادل سفرا پس از تحلیف «عبدالفتاح السیسی» صورت گیرد.

وزیر بلاروسی:

می‌توانیم فصل جدیدی از روابط اقتصادی بین تهران و مینسک را ایجاد نماییم

وزیر مقررات ضد انحصار و تجارت جمهوری بلاروس در دیدار سفیر ایران تاکید نمود که با تلاش و همکاری نهادهای ذی‌ربط می‌توانیم فصل جدیدی از روابط اقتصادی بین ایران و بلاروس را ایجاد نماییم.

علیرضا صانعی، سفیر فوق‌العاده و تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران در جمهوری بلاروس، روز جمعه مورخ ۸ دی ماه با «الکسی بوگدانوف»، وزیر مقررات ضد انحصار و تجارت جمهوری بلاروس ملاقات کرد.

در این ملاقات، طرفین وضعیت کنونی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس، اقدامات لازم جهت توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی، افزایش مبادلات تجاری متقابل و برگزاری رویدادهای دوجانبه را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

صانعی با اشاره به مکمل بودن اقتصاد دو کشور، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش مبادلات فیمابین را شناخت تجار و فعالان اقتصادی از ظرفیت‌های یکدیگر دانسته و تاکید کرد که یکی از راه‌های افزایش این شناخت، مشارکت متقابل در نمایشگاه‌ها و مبادله هیئت‌های تجاری دوجانبه است.

به گزارش تسنیم، بوگدانوف نیز ضمن اشاره به ظرفیت و پتانسیل بالای دو کشور برای همکاری اقتصادی و ناکافی بودن حجم مبادلات فیمابین تاکید نمود که با تلاش و همکاری نهادهای ذی‌ربط می‌توانیم فصل جدیدی از روابط اقتصادی بین ایران و بلاروس را ایجاد نماییم.

خبر ویژه

حاشیه‌نشینی عارف و بهزاد نبوی به خاطر کارشکنی برخی اصلاح‌طلبان

محسن رهامی، از فعالان اصلاح‌طلب و نماینده ادوار مجلس گفت: اختلافات در میان اصلاح‌طلبان موجب کناره‌گیری بهزاد نبوی از ریاست جبهه اصلاحات شد و این اختلافات ادامه دارد.

وی در گفت‌وگو با خبرآنلاین اظهار کرد: جایگاه آقای نبوی مربوط به فعالیت سیاسی قبل و پس از انقلاب و حضور طولانی در مسئولیت‌های مختلف در چند دولت است. اما فعلا به علت اختلاف‌نظر در داخل جریان اصلاحات، از حیث چگونگی تعامل با حاکمیت و موضوعاتی مثل انتخابات، جایگاه اجتماعی ایشان نیز از این اختلاف‌نظر بی‌بهره نمانده است. علاوه‌بر این، مسئله دیگر برای تعدادی از احزاب و نیروهای اصلاح‌طلب، مسئله حضور افراد حقیقی در جبهه اصلاحات با حق رأی مساوی با دبیران کل احزاب است، که به هر حال باید حل شود.

در «شورای هماهنگی جبهه اصلاحات» که قبلا با عنوان «شورای هماهنگی نیروهای خط امام» فعالیت می‌کرد و بعد از دوم خرداد ۷۶، به این عنوان تغییر اسم داد، فقط دبیران کل احزاب حضور داشتند و این مجموعه، به عنوان یک جبهه سیاسی می‌توانست لیست انتخاباتی بدهد. بعد از آن که مطرح شد، برخی افراد حقیقی تاثیرگذار، با حق رأی برابر بتوانند در جبهه حضور یابند، عامل جدیدی برای اختلاف‌نظر بین احزاب و جریان‌های اصلاح‌طلب پیدا شده و کماکان ادامه دارد.

رهامی می‌افزاید: دوستان با آقای نبوی صحبت کرده‌اند اما این موضوع یک سیر طولانی داشته که با یک رایزنی و صحبت بعید است، قضیه حل شود. پیدایش نظرات و راهکارهای مختلف برای موضوعات واحد، در داخل یک مجموعه سیاسی تا حدی می‌شود گفت طبیعی است. خصوصا اگر شرایط و اوضاع و احوال به نحوی که ملاحظه می‌شود هر روز سخت‌تر گردد، در این خصوص هم خود ایشان به این جمع‌بندی رسیده که باید به تصمیم ایشان احترام بگذاریم.

جریان اصلاحات لیدر ندارد و گفتمانی با فراز و فرود همیشگی است. مثلا در دوره دولت آقای خاتمی، انتخابات مجلس دهم و شورای پنجم و نیز در اواخر دوره احمدی‌نژاد، منسجم‌تر بود که منجر به روی کار آمدن دولت روحانی گردید، اما در حال حاضر انسجام این جریان کمتر شده است.

رهامی که قبلا عضو شورای سیاستگذاری منحله اصلاح‌طلبان بوده، درباره فعال شدن مجدد محمدرضا عارف(رئیس مستعفی شورا) در انتخابات گفت: با آقای عارف در مجموعه مجلس دهم همکاری زیادی داشتیم و بعد از پایان مجلس دهم، همکاری‌ها و ارتباطات قطع نشده. متأسفانه بعد از آن فضاسازی که علیه ایشان و فراکسیون امید؛ مبنی بر عدم موفقیت این فراکسیون صورت گرفت؛ فضای سیاسی عمومی برای دکتر عارف و امثال ایشان، چندان مهیا نیست ولی به هر حال شخص دکتر عارف و همراهان وی پتانسیل خوبی برای حرکت‌های تعاملی با نهادها و افراد مؤثر در حکومت را دارند اگر بخواهند به‌طور جدی وارد معرکه شوند.

وی افزود: فعلا فقط بعضی دوستان که با آقای روحانی یا آقای لاریجانی مرتبط هستند، و تعدادی از احزاب که در جبهه اصلاحات نیز حضور دارند در این خصوص فعالیت‌هایی دارند. اما در کل یک نتیجه قطعی که ما را به یک لیست برساند، فعلا وجود ندارد. من فکر می‌کنم اگر احتمال بدهیم حداقل ۵۰-۶۰ نفر هم در مجلس دوازدهم، نماینده مستقل و خوش‌فکر داشته باشیم، ارزش آن را دارد که تلاش کنیم و برای انتخابات سرمایه‌گذاری کنیم.

فارین‌پالیسی: با رویکرد فعلی اسرائیل بازنده جنگ غزه خواهد بود

مجله تخصصی سیاست خارجی در آمریکا ضمن برشمردن دلایل مختلف، احتمال داد که اسرائیل طرف بازنده جنگ غزه خواهد بود.

در حالی که جنگ غزه سیزدهمین هفته خود را سپری می‌کند و اسرائیل به هیچ موفقیتی دست نیافته، تحلیلگر نشریه فارین‌پالیسی نوشت: در سفر اخیر و در گفت‌وگو با مقامات امنیتی و شخصیت‌های ارشد اسرائیل، متوجه برخی از نقاط شکست احتمالی شدم. مشکلات اسرائیل در غزه، می‌تواند ناشی از دست‌کم گرفتن حماس، تقویت ناخواسته این گروه، تضعیف انسجام داخلی اسرائیل، شکست در روند انتقال از مرحله جنگ به حکومت در غزه، و تضعیف روابط اسرائیل با ایالات متحده باشد. اسرائیل به دنبال نابودی حماس، کشتن رهبران و بسیاری از نیروهای نظامی آن است. حماس تا قبل از شروع حمله اسرائیل، تقریبا ۲۵۰۰۰ نفر نیرو داشته که اسرائیل ادعا می‌کند حدود ۷۰۰۰ نفر از آنها را کشته. اما نابودی حماس، بسیار دشوار خواهد بود.

یک کارشناس اسرائیلی به من گفت، «من در مورد گزارش اسرائیل درباره تعداد جنگجویان حماس که کشته شده‌اند، بسیار شک دارم». سربازان در نبرد به احتمال زیاد کشته‌شدگان دشمن را با دقت فهرست نمی‌کنند و ممکن است به راحتی همه مردان در سن جنگ را به عنوان جنگجویان فرضی بشمارند. علاوه‌بر این، برخی از مردم غزه به این دلیل که مورد حمله قرار می‌گیرند، ممکن است اسلحه به دست بگیرند، بنابراین به تعداد کلی افرادی که تصور می‌شود از اعضای حماس هستند اضافه می‌شود و دقت ارزیابی‌ها درباره تعداد اعضای حماس را پایین می‌آورد.

حماس عمیقاً در غزه جا افتاده است. از سال ۲۰۰۷ این نوار را کنترل کرده و نسلی از ساکنان غزه، تحت حاکمیت این گروه بزرگ شده‌اند. این سازمان، دارای پایگاه قدرت در جامعه پناهندگان غزه است. حماس خیلی قبل از سال ۲۰۰۷ که حکومت در غزه را به دست گرفت، مدارس و بیمارستان‌ها و مساجد را اداره می‌کرد و تقریباً در هر جنبه‌ای از جامعه حضور داشت.

با این ریشه‌های عمیق، حتی اگر بیشتر سیستم نظامی حماس از بین برود، باز هم می‌تواند به راحتی دوباره رشد کند. حماس چیزی فراتر از یک سازمان است. آنها آنچه را که «مقاومت» می‌نامند، با استفاده از زور برای پایان دادن به اشغالگری اسرائیل در کرانه باختری و غزه و نابودی اسرائیل، تعریف می‌کنند. این عقیده از جانب بسیاری از فلسطینی‌ها و همچنین حزب‌الله لبنان، ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای پذیرفته شده است. حمله ۷ اکتبر مورد تایید بسیاری از فلسطینی‌ها و جهان اسلام واقع شد و بالای ۸۰درصد از ساکنان کرانه باختری از این حمله حمایت کردند. واکنش تهاجمی اسرائیل و سطح بالای تلفات غیرنظامیان، درستی روش‌های حماس را برای افراد زیادی در منطقه اثبات کرده است. این بدان معناست که حماس یا هر گروه مقاومت دیگری، برای رشد در غزه، خاک حاصلخیزی در اختیار دارد. این یک عامل مهم در درازمدت است، زیرا تقریبا نیمی از جمعیت ۲/۲میلیونی غزه، زیر ۱۸ سال هستند. در خارج از غزه، این روایت باعث حمایت از ایران و دیگر دشمنان اسرائیل می‌شود. همچنین این موضوع، همکاری آشکار کشورهایی مانند مصر و امارات متحده عربی با اسرائیل را سخت‌تر می‌کند.

حمله ۷ اکتبر بسیاری از اسرائیلی‌ها را مجبور به ترک خانه‌های خود در جنوب و نزدیک مرز غزه کرد. شلیک تقریباً مداوم راکت و خمپاره در شمال اسرائیل توسط حزب‌الله نیز ده‌ها هزار اسرائیلی دیگر را آواره کرده است. در مجموع ۲۵۰هزار اسرائیلی اکنون دور از خانه خود، زندگی می‌کنند.

اسرائیل باید بتواند هم حماس و هم حزب‌الله را شکست دهد یا حداقل بازدارندگی لازم را ایجاد کند. اسرائیل باید مردم خود را متقاعد کند. این امر با توجه به شکست اطلاعاتی اسرائیل در ۷ اکتبر که منجر به عدم پیش‌بینی حمله حماس شد و سربازان اسرائیلی نیز در دفاع از ساکنان مناطق نزدیک به غزه ناکام ماندند، دشوار است.

در مناطق جنوبی مجاور غزه، بازگرداندن اعتماد مستلزم شکست همه‌جانبه و آشکار حماس است. در شمال، حزب‌الله باید تعداد بیشتری از واحدهای ویژه خود موسوم به رضوان را به دورتر از مرزهای اسرائیل منتقل کند تا اطمینان حاصل شود که حمله غافلگیرکننده‌ای صورت نخواهد گرفت. بدتر از همه اینها، بحران اعتماد در نظام سیاسی است. قبل از ۷ اکتبر، جامعه اسرائیل به شدت دچار تفرقه بود و تقابل شدیدی بین جوامع مذهبی و سکولار، اعراب اسرائیلی و یهودیان اسرائیلی، و یهودیان کشورهای اروپایی در مقابل یهودیان کشورهای عربی وجود داشت.

از سوی دیگر، وقوع یک جنگ تمام‌عیار با حزب‌الله، ممکن است برای اسرائیل فاجعه‌بار باشد. این گروه لبنانی جنگجویان بسیار بیشتری دارد که ماهرتر و باتجربه‌تر هستند و زرادخانه موشک و خمپاره‌هایی شامل مهمات هدایت‌شونده دقیق در اختیار دارد که تسلیحات حماس در برابر آنها ناچیز به نظر می‌رسد. حزب‌الله تاکنون برای نشان دادن همبستگی با حماس، حملات محدودی را به اسرائیل انجام داده است.

حمایت روزنامه زنجیره‌ای از شرکت خودروساز متخلف

یک روزنامه زنجیره‌ای، از خودروساز متخلف که به پرداخت جریمه محکوم شده حمایت کرد. روزنامه اعتماد، حمایت از این شرکت خودروساز متخلف را به نام کارگران آن شرکت توجیه کرد.

این روزنامه در مطلبی سفارشی به نقل از «بهمن‌نیوز» و با عنوان «اعتراض کارگران بهمن‌موتور به جریمه سنگین این خوروساز» نوشت: «کارگران بهمن در پی حکم جریمه برای این خودروسازی با تنظیم نامه‌ای نگرانی خود را نسبت به برخوردهای ضدتولیدی با این شرکت که امنیت نیروی کار را تهدید می‌کند، ابراز گلایه کردند. به گزارش بهمن‌نیوز، در این نامه آمده است: انتشار خبر جریمه پنج‌هزار میلیارد تومانی بهمن‌موتور، موجی از نگرانی در میان کارگران گروه بهمن به وجود آورده است؛ اکنون کارگران این مجوعه خطر ظهور و بروز رویه‌های ضدتولید را احساس می‌کنند. ما کارگران گروه بهمن، در این‌جا و در پیشگاه مقام معظم رهبری، سران قوا و مردم شریف ایران عارض می‌شویم ما در طول سالیان اخیر تمام همت خود را صرف پیشبرد داخلی‌سازی و کاهش وابستگی کشور به بیگانگان کرده‌ایم و با راه‌اندازی خطوط تولید هر ماه به یاران ما در خانواده کارگری بهمن‌موتور افزوده شده به طوری که که از ۱۷۰۰ نفر در سال ۱۳۹۶ تعداد خانواده کارگری بهمن به ۷۴۰۰ نفر رسیده که در نهایت موفق شدیم با کاهش هزینه‌های تولید، قیمت محصولات خود را با قیمتی کمتر از رقبا به بازار عرضه کنیم که این توفیق جز با تلاش‌های صادقانه کارگران این مجموعه حاصل نمی‌شد. اما انتظار نداشتیم پاسخ این تلاش‌ها، تنبیه خانمان‌سوز باشد و این جریمه، تنها به زندگی ۷۴۰۰ نفر کارگر این مجموعه آتش نمی‌زند و می‌تواند بالغ بر ۲۲هزار نفر از کسانی که زندگی آنها وابسته به تولید و حیات بهمن است را به نابودی کشاند. ما افتخار می‌کنیم با کوشش و تلاش خطوط تولید و زیرساخت‌های این مجموعه را به چهار برابر